

بازتاب مضامین دینی و اعتقادی در شعر عایشه تیمور و پروین اعتصامی

معصومه شبستری^۱

دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

الهه ستاری^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری

زهرا پور زمانی^۳

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۵

چکیده

از مهم ترین مضامینی که در زندگی بشری وجود دارد موضوع دین و دینداری است. همیشه افرادی ظهور کرده اند که ادیان متفاوت با اندیشه های گوناگون را تبلیغ کرده اند. با وجود این ادیان در ملت های مختلف، دین اسلام به طرز عجیبی توانست در دل ها رخنه کند و تأثیر فراوانی بر افکار و آرای انسان های معتقد به آن بگذارد، دین مشترک زمینه را برای تأثیر متقابل زبان عربی و زبان فارسی مهیا کرد. در بین شاعران معاصر عرب زبان و فارسی زبان دین اسلام و مفاهیم آن به طرز قابل توجهی نمود پیدا کرد که از میان آنها می توان به عایشه تیمور و پروین اعتصامی اشاره نمود. این پژوهش می کوشد با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مشترکات دینی در اشعار دو شاعر و بررسی تأثیر قرآن بر آثار هر دو و احتمال تأثیرپذیری پروین از عایشه بپردازد. شایان ذکر است که دستاوردهای این بررسی بارقه های بسیاری از تأثیرات دین اسلام و قرآن است که هر دو ادیب را مستقیم یا غیر مستقیم زیر نفوذ خود دارد، هر چند جغرافیای متفاوت زندگی آنها نیز ردپایی به جا نهاده است.

واژگان کلیدی

دین، عایشه تیمور، پروین اعتصامی، قرآن.

1. E-mail: shabestari82@yahoo.com
2. E-mail: elahehsattari90@gmail.com
3. E-mail: zz7813415@gmail.com

مقدمه

زبان عربی و فارسی از دیر باز در رابطه متقابل با یکدیگر بوده‌اند و بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند. با ورود اسلام و یکی شدن دین، این تأثیر و تأثر بیشتر جلوه‌گر شد و دین اسلام اشعار شعرای فارسی زبان را در مضمون و محتوا و انتخاب الفاظ به شدت تحت تأثیر خود قرار داد.

ادبیات تطبیقی پدیده‌ای فرهنگی است که از طریق ادبیات ملتها با زبان‌های متفاوت به یکدیگر منتقل می‌شود و ما نیز از رهگذر مقایسه‌ی میان ملت‌ها به همبستگی و ارتباط نزدیک بین آنها و افکار، اندیشه‌ها، آرزوها و همچنین فرهنگ ملت‌های دیگر آگاهی پیدا می‌کنیم (ندا، ۱۹۸۰: ۲۳ و ۲۸).

۱. بیان مسأله

هر یک از ادیان به تناسب آموزه‌ها و تعالیم خود در تعامل و یک رابطه دوسویه تعادلی، نزولی یا صعودی با شاخه یا شاخه‌هایی از هنر و ادبیات بوده‌اند، تا از این رهگذر پیام خود را در قلب و ذهن بشریت مستحکم و جاودانه سازند. از این رو بررسی میراث موجود در نسبت ادبیات را بدون بررسی تأثیر دین نمی‌توان کامل دانست؛ و هنر و ادبیات با محتوای فرامادی و هویت قدسی آن را نمی‌توان از دین جدا دانست. پژوهش در همگامی و همراهی دین و هنر را نمی‌توان از دیرباز و آغاز تاریخ جستجو نمود. زمانی که در فرهنگ اسلام پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی میان ملت‌های مختلف بوده است و هنوز رشته جامعی میان مسلمانان به شمار می‌آمد، ادبیات مهم‌ترین رسانه هنری دین و موسیقی کم‌اهمیت‌ترین رسانه بوده است و این نسبت در سایر ادیان با تفاوت‌هایی همراه است. "هنر اسلامی" به شیوه‌ای خیره‌کننده وحدت اصلی الهی، وابستگی همه چیز به خدای یگانه، فناپذیری جهان و کیفیات مثبت وجود عالم هستی یا آفرینش را نشان می‌دهد. این مقاله در پی آن است

که به بررسی مشترکات دینی موجود در ابیات شعری بانوی پرآوازه عرب، عایشه تیمور و بانوی حکیم شعر فارسی، پروین اعتصامی بپردازد.

مقاله پیش رو ضمن بررسی تطبیقی تأثیر دین بر آثار این دو شاعر در پی آن است تا به پرسش‌هایی در این زمینه پاسخ دهد از جمله آنکه:

- تأثیر اسلام بر عایشه و پروین تا چه اندازه بوده است؟

- آیا پروین از عایشه تأثیر پذیرفته است؟

- تأثیر قرآن و مفاهیم قرآنی در اشعار هر دو شاعر تا چه میزان بوده است؟

- مضامین مشترک دینی بین دو شاعر کدامیک است؟

در این مقاله سعی می‌شود که با روش تطبیقی و نقدی مکتب آمریکایی به این سؤالات پاسخ داده شود.

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به ادبیات تطبیقی و حیطه‌ی آن، مقاله حاضر در پی آن است تا مقایسه‌ای تطبیقی در بررسی دین میان دو شاعر یعنی عایشه تیمور و پروین اعتصامی بپردازد. در تحلیل و بررسی مضامین اشعار و افکار پروین و عایشه تیمور به طور جداگانه و در مقایسه با دیگر شاعران، مطالبی به رشته تحریر درآمده است. به نظر می‌رسد که عایشه تیمور شاعری شناخته شده نیست و نام وی در بعضی از کتب تاریخ ادبیات عربی به چشم می‌خورد فقط در چند کتاب به صورت مفصل به این شخصیت پرداخته‌اند: کتاب «عایشه تیمور شاعرة الطلیعة» نوشته می‌زیاده و «الدّر المنثور في طبقات ربات الخدور» نوشته زینب بنت علی فواز العاملیه اللبانیة، و مقاله‌ای با عنوان «عائشة التیموریة أول من حملت لواء الأدب من النساء في نهضتنا الحديثة» به قلم عبدالفتاح عبادة، ولی پروین اعتصامی شاعری شناخته شده در ادبیات فارسی به شمار می‌رود که بسیاری از کتب ادبی به این شاعر و شعرش پرداخته‌اند از جمله: «از نیما تا روزگار ما» نوشته یحیی آرین‌پور، «گذشته ادبی ایران» نویسنده «عبدالحسین زرین‌کوب» و ... و مقالات: «پرتوی به زندگی و شعر پروین اعتصامی»



ولی الله درودیان، «لطائف حکمی و نکات قرآنی در دیوان پروین» عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، «رابعه بلخی و پروین اعتصامی» مرضیه ترابی و... اما هیچکدام از آنها به بررسی تطبیقی میان این دو شاعر و مضامین اشعار آن دو نپرداخته است. در این مقاله سعی می‌شود که با روش تطبیقی و نقدی مکتب آمریکایی به این سؤالات پاسخ داده شود.

۳. گذری کوتاه بر زندگی عایشه تیمور

عایشه عصمت تیموریه دختر اسماعیل پاشا تیمور در سال ۱۸۴۰م در شهر قاهره چشم به جهان گشود، او از خردسالی به شعر و ادب گرایش داشت و این علاقه باعث شد که پدرش برای او دو معلم به کار گیرد که یکی از آنها خط و دیگری صرف و نحو و فارسی را به او آموزش می‌دادند، وی در ۱۸۵۴م در ۱۴ سالگی با محمد توفیق بک (نوهی محمود بک سامی الاسلامبولی حاکم سودان) ازدواج کرد (زیاده، ۱۹۸۳: ۹) و در این مدت دست از تعلیم و خواندن و نوشتن شست و به خانه‌داری و تربیت فرزندان همّت گماشت و در سال ۱۸۸۵م شوهرش را از دست داد، وی بعد از آن به درس و مطالعه روی آورد و از دو معلم برای یادگیری علم عروض و نحو استفاده نمود سپس به سرودن قصائد و موشحات و ازجال روی آورد و در سال ۱۹۰۲م در ۶۴ سالگی بدرود حیات گفت (عباده، ۱۳۴۵: ۴۰۵ و ۴۰۶).

عایشه که سرآغاز بیداری زنان شرقی به شمار می‌آید به سه زبان عربی، ترکی و فارسی شعر می‌سرود و در اسلوب، صنعت، پابندی به لفظ و مخصوصاً در تشبیهات، کنایات، استعارات شعری و نثری گذشتگان را الگوی خود قرار داد (داغر، ۲۰۰۰: ۹) وی اولین زنی بود که در جاده متروکه علم گام نهاد و در زمانی که شعر گفتن و سخن سرایی برای زنان عار بود سنت شکنی نمود و صدایش را هر چه رساتر در عالم علم و ادب طنین انداز کرد (زیاده، ۱۹۸۳: ۱۳۴).

آثار شعری عایشه عبارت است از «حلیه الطراز» (دیوان شعری به زبان عربی)،

«کشوفه» (دیوان شعری به زبان ترکی)، او در نثر نیز ید طولایی دارد و از جمله آثار نثری وی می‌توان به: «مرآة التأمل فی الأمور»، «نتائج الأحوال فی الأدب» اشاره نمود (خفاجی، ۱۹۹۲، ج ۱۲۷/۳).

۴. گذری کوتاه بر زندگی پروین اعتصامی

پروین اعتصامی دختر یوسف اعتصامی آشتیانی (اعتصام الملک) در سال ۱۹۰۶م در تبریز زاده شد وی ادبیات فارسی و در کنار آن عربی را نزد پدر آموخت (برقعی، ۱۳۷۳: ج ۲: ۷۷۷)، پدر پروین از نویسندگان و مترجمان مشهور ایران در عصر خود بود. مادر وی نیز خانمی مدبر، صبور، خانه‌دار و عفیف بود، او در پرورش احساسات لطیف و شاعرانه‌ی دخترش نقش مهمی داشت. پروین در چنین خانواده‌ای که در آن عصر به فعالیت ادبی و فرهنگی معروف و مشهور بود، پا به عرصه‌ی وجود گذاشت (فرخ‌زاد، ۱۳۸۰: ۲۱۱-۲۱۵). از همان ابتدای طفولیت، سرودن شعر را آغاز نمود و در کنار آن پس از طی تحصیلات خود در کالج آمریکایی در سال ۱۹۲۴م فارغ التحصیل شد، پروین پس از تحصیل مدتی در دفتر همان مدرسه‌ی آمریکایی به کار مشغول شد و در سال ۱۹۳۴م با پسر عموی پدر خود ازدواج کرد، اما این ازدواج سعادت‌ی در بر نداشت و پس از اندک زمانی، کار به جدایی انجامید. دست اجل به پروین مهلت نداد و در حالیکه هنوز آغاز جوانی را سپری می‌کرد در سال ۱۹۴۱م در سن ۳۴ یا ۳۵ سالگی بر اثر بیماری حصبه رخت از دنیا برکشید (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۵۳۹ و ۵۴۰).

دکتر پرویز ناتل خانلری نیز معتقد است: «پروین اعتصامی را می‌توان بزرگترین سخنوری دانست که از جنس زن در تاریخ ادبیات ایران ظهور کرده است، قصاید او که به استقبال فصحای قرن چهارم و پنجم هجری قمری سروده شده هیچگونه تجدد و تنوعی از لحاظ معانی و بیان نشان نمی‌دهد، اما قطعاتی که موضوع آن‌ها انتقاد وضع اجتماعی و اظهار محبت به طبقات ستمکش و محروم جامعه است در ادبیات معاصر ایشان دارای شیوه‌ای خاص است که منحصر به اوست» (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۱۳۷۵).



(۵۴۵).

ملک الشعراى بهار در مقام معرفى پروین مى گوید: «در ایران که کان سخن و فرهنگ است، اگر شاعرانى از جنس مرد پیدا شده‌اند که مایه حیرت‌اند جای بسی تعجب نیست، اما تاکنون شاعری از جنس زن که دارای قریحه و استعداد باشد و با این توانایی و طى مقدمات تتبع و تحقیق، اشعاری چنین نغز و نیکو بسراید از نوادر محسوب و جای بسی تعجب و شایسته هزاران تمجید است» (آرین پور، ۱۳۷۹: ۵۴۱).

بعد از نگاه مختصری به زندگی هر دو شاعر و مضامین اشعارشان می‌توان اشتراکات و اختلافات شخصیتی و ادبی میان این دو شاعر را چنین برشمرد:

۵. بحث

برخی نکات مشترک شخصیتی و ادبی میان عایشه تیمور و پروین اعتصامی:

- ۱- هر دو شاعر در خانواده‌های مسلمان و متدین په به عرصه هستی گذاشتند.
- ۲- دو شاعر خواندن و نوشتن و علوم مقدماتی را نزد پدران ادیشان فرا- گرفتند. (آرین پور، ۱۳۷۹: ۵۳۹).
- ۳- عایشه و پروین، زبان و ادبیات فارسی و عربی را از کودکی فرا گرفتند و با آثار شعرای زبان فارسی و زبان عربی آشنا شدند. (العقاد، بی تا: ۱۴۳ و ۱۴۴).
- ۴- هر دو شاعر از مفاهیم دینی و آیات قرآنی به صورت آشکارا یا تلمیحی در اشعارشان استفاده نموده‌اند.
- ۵- در شعر هر دو به وضوح استفاده از داستان‌های قرآنی پیامبران به چشم می‌خورد و هر دو با الهام گرفتن از این داستان‌ها اشعار بسیار زیبایی سروده‌اند.
- ۶- در عصر هر دوی این شاعران، علم آموختن برای زنان یا ممنوعیت داشت و یا ناپسندیده و مشکل بود در چنین شرایطی نه تنها به تعلیم زنان اهمیتی داده نمی‌شد که این امر نادیده نیز انگاشته می‌شد.

۷- شکست و ناکامی‌هایی که عایشه و پروین در زندگی متحمل شدند شعرشان را تحت تأثیر خود قرار داد، دست مرگ دختر عایشه را در بدو جوانی ربود و باعث شد وی به رثا و اشعار حزن‌انگیز روی آورد. (داغر، ۲۰۰۰: ۳۰۷)، پروین نیز ازدواج ناموفقی داشت و بعد از آن شاهد مرگ پدر بود. (فرخ‌زاد، ۱۳۸۰: ۲۲۶)

۸- همانطور که عایشه طلیعه‌دار بیداری زنان شرق عربی به شمار می‌آید، پروین را نیز می‌توان در شمار اولین زنانی ذکر کرد که به علم‌آموزی روی آوردند و اشعار بسیار نغزی در مورد آزادی زن و تعلیم و تربیت زنان سرودند بنابراین وی می‌تواند به نوعی طلیعه‌دار بیداری زنان عصر مشروطه و رضاخانی به شمار آید.

البته اگرچه دو شاعر دارای اشتراکاتی بودند، اما تفاوت‌هایی نیز میان‌شان به چشم می‌خورد از جمله آنکه پروین علاوه بر یادگیری زبان و ادبیات عربی و فارسی به زبان انگلیسی نیز مسلط بود و با آثار نویسندگان بزرگ انگلیسی آشنایی داشت اما عایشه به آموختن زبان و ادبیات عربی و فارسی بسنده نمود.

دیگر آنکه عصر پروین و عایشه از لحاظ اقتصادی و سیاسی با هم بسیار تفاوت داشت پروین در عصر خفقان سیاسی می‌زیسته از همین رو مفاهیمی از قبیل فقر، ظلم و ستم در اشعارش بیشتر متجلی شد در حالیکه عایشه در زمان شکوفایی و پیشرفت اقتصادی کشورش می‌زیست، لذا مدح امرا و حکام در اشعارش تجلی یافت.

۵-۱- جلوه‌های مشترک دین در اشعار پروین و عایشه

چنانچه پیشتر بیان شد، پروین و عایشه نقاط مشترک فراوانی با هم دارند از جلوه‌های این اشتراکات دین است که جایگاه ویژه‌ای را در اشعار آن دو به خود اختصاص داده است.

«هر چند در جامعه جدید، انسان جای خدا را می‌گیرد و بشر مادی همه کاره جهان می‌شود و هستی را با مبانی مادی تفسیر می‌کند، پروین متأثر از اخلاق و دین اسلام و عرفان ایرانی- اسلامی، نه تنها مدرنیته را به کل نپذیرفت، که با گرایش‌های دینی، انتقادش را به بی‌دینی موجود در مدرنیسم اعلام کرد، پروین بر آن بود تا



اذهان مردم را به سوی دین اصیل و متعالی معطوف و ضرورت دین‌داری را برای مردم بیان کند». (محسنی؛ پیروز، ۱۳۸۴: ۶۶).

اما می‌زیاده در مورد دین‌محوری عایشه بر این اعتقاد است که: عاطفه‌ی دینی در زندگی عایشه تیمور به وضوح دیده می‌شود، او مانند دیگر شاعران، بخش‌های مألوف و رایج دین را مورد بررسی قرار داده و آن را با عاطفه اخلاقی در می‌آمیزد و در این اشعار، اعتراف به گناهان و میل به توبه و آمادگی برای کوچ به جهانی دیگر را مورد توجه قرار گرفته است. (زیاده، ۱۹۸۳: ۱۴۶). در ادامه سعی می‌کنیم با ارائه‌ی مصداق‌هایی از دین‌محوری در اشعار عایشه و پروین، تحلیل مختصری از آنها را نیز بیان کنیم.

۵-۱-۱- اعتقاد به خداوند

اگر انسان با نهادی پاک و دلی آرام نگاهی به جهان هستی بیافکند در هر گوشه از آن آثار و دلایل وجود پاک آفریدگار را مشاهده خواهد کرد بنابراین انسان، گریزی ندارد جز اینکه برای جهان آفرینش مبدئی اثبات کند که پدید آورنده‌ی اشیا و پرورش دهنده‌ی آنها است. مشاهده اجزای بهم پیوسته این جهان و نظام‌های جزئی خیره‌کننده آن و مرتبط به هم برای هر انسانی خردمند روشن می‌سازد که جهان هستی و هر آنچه در آنست در وجود و بقای خود از وجود و مقام فنا ناپذیری سرچشمه می‌گیرد که با قدرت بی‌کران خود، جهان را آفریده است. (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۷).

عایشه و پروین از این رویکرد دینی غافل نشده و بخشی از اشعار خود را به آن اختصاص داده‌اند.

۱-۱- عایشه در اشعار مختلفی، به اعتقاد خود نسبت به خداوند اذعان می‌کند و

صفات او را بر می‌شمرد که ابیات زیر، از آن جمله است:



يَا مَنْ يَرَى مَا فِي الضَّمِيرِ وَلَا يُرَى إِنِّي رَجَوْتُكَ إِنْ تَجِيبَ دَعَائِي

(تیمور، بی تا: ۶)

ترجمه: ای آنکه ضمائر را می بینی اما خود دیده نمی شوی، امیدوار هستم که دعایم را اجابت کنی.

و:

فَأَنْتَ الْحَيُّ مُحْيِي كُلِّ حَيٍّ وَأَنْتَ لِمَنْ دَعَا نَعِمَ الْوَكِيلُ

(همان: ۱۳)

ترجمه: تو زنده ای هستی که زندگی همه از آن توست و بهترین سرپرست هستی بر کسی که تو را می خواند.

و همچنین:

يَعَادُ تَقْرِيبي وَ تَثْبِيْت قَائِلُهُ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ جِدِّ لِي بِاسْتِجَابَاتِ

(همان: ۵۵)

ترجمه: دانای اسرار را فرا می خوانم در حالیکه می گویم: ای آمرزنده ی گناهان با اجابت دعاهايم بر من عنایتی فرما.

پروین نیز در اشعار خود به آفریننده بودن خداوند و فرمانروایی او اعتراف می کند و می گوید:

تُو خدَاوَنَد پَرستِي، نَسَزْد هَر گَز کَار بَتَخَانِه گَزِينِي وَ شَوِي بَتَگَر

(اعتصامي، ۱۹۷۷: ۳۵)

و:

اِي بِخود ديده چو شَدَاد، خدا بين شو جَز خدا را نَسَزْد رَتبَت يَزْدَانِي

(همان: ۵۷)

و:

سَوِي بَتَخَانِه مَرُو پَنَد برهمن مشنو بَت پَرستِي مَکَن، اِيَن مَلِک خدَايِي دَارَد

(همان: ۲۵۷)



عایشه در اشعار خود از صفات خداوند یاد می‌کند، او را دانا به اسرار بشر می‌داند و او را زنده، بهترین سرپرست و آمرزنده‌ی گناهان بر می‌شمرد. پروین نیز در اشعارش انسان را به خداپرستی فرا می‌خواند و خداوند را پادشاه مطلق جهان قلمداد می‌کند. «در اشعار پروین همه چیز نشانی از قدرت ازلی و ابدی است، همه چیز نشان خداست، این زندگی عرض است و حقیقت و ذات، همان زندگی غیر مادی و جاوید است». (ملکی، ۱۳۷۷، ۴۹)

حدود ۴۸ بیت از اشعار عایشه و ۱۱۶ بیت از اشعار پروین به این مقوله یعنی اعتقاد به خداوند، اختصاص یافته است.

۵-۱-۲- اعتقاد به معاد و جهان آخرت

معاد در لغت به معانی: بازگشتن، آخرت و رستاخیز (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۱۳: ۱۸۶۲۶؛ معین، ۱۳۷۵: ج ۳: ۴۲۱۰) به کار رفته است.

در قرآن کریم نیز هشتصد و پنجاه و یک آیه درباره‌ی معاد ذکر شده است که دال بر اهمیت موضوع در دین مبین اسلام می‌باشد، از آن جمله می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ» (زلزال/۷) ترجمه: آن روز، مردم (به حال) پراکنده بر آیند تا نتیجه کارهایشان به آنان نشان داده شود.

ایمان به مبدا و معاد در جهان بینی مکتب انبیا دو رکن مهم اعتقادی و زیر بنای تمام ادیان آسمانی محسوب می‌شود. سر آغاز دعوت پیامبران الهی این بود که مردم، مؤمن به غیب شوند و مهمترین غیبی که شرط قطعی در ادیان الهی است ایمان به خدا و ایمان به قیامت دانسته می‌شود. (فلسفی، ۱۳۶۰: ۸) جامعه اسلامی و محققین فلاسفه بر اساس منطق عقل، برهان و مطابق نصوص قرآن کریم، برای معاد دو جنبه روحانی و جسمانی قایلند و مرگ در فلسفه اسلامی، مفهوم نیستی را در بر ندارد بلکه تحول و تکامل به حساب می‌آید. (شریعتی سبزواری، ۱۳۶۱: ۱۳ و ۱۲۳).

عایشه و پروین به عنوان دو شاعر مسلمان و پایبند به اصول و مبادی اسلام، از این مقوله غافل نشده و آن را به تصویر کشیده‌اند.

عایشه در این باره می‌سراید:

وَمِنْهُ اللَّهُ دِينَ وَصَفُهُ قِيَمٌ بِحُجَّتِي أَنْ أَخْفَ يَوْمَ اللِّقَا يَقِمُ

(تیمور، بی‌تا: ۵)

ترجمه: و منت خداوند دینی است که توصیفش با ارزش است و با دلایل و شواهدم می‌ترسم که روز دیدار (قیامت) برپا گردد.

وَسَمِعْتُ قَوْلَ الْحَقِّ لِلْقَوْمِ ادْخُلُوا دَارَ السَّلَامِ فَسَمِعْتُكُمْ مَشْكُورَ

(همان، ۱۹)

ترجمه: و سخن حق را شنیدم که به مردمان نیکوکار می‌گفت: وارد خانه سلام و آرامش شوید که تلاشتان دارای اجر است.

و نیز:

أَقْرَبُ بَزَلْتِي مِنْ قَبْلِ كِي لَا تَقَرَّ جَوَارِحِي بِالذَّنْبِ قَبْلِي

(همان، ۴۶)

ترجمه: پیش از آنکه اعضا و جوارح‌ام به گناه من اقرار کنند، من خویش به خطا و لغزش‌ام اعتراف می‌کنم.

پروین اعتصامی نیز با اشعار زیبایی معاد را به تصویر می‌کشد:

در آن دیوان که حق حاکم شد و دست و زبان شاهد

نخواهد بود بازار و بها چیره زبانی را

(اعتصامی، ۱۹۷۷: ۸)

و نیز:

بدان صفت که تو هستی دهند پاداشت سزای کار در آخر همان سزاوارست

(همان: ۲۲)

همچنین:

آن چنان کن که به نیکیت مکافات دهند چو گه داروی و نوبت کیفر گردد

(همان: ۲۲)



در این اشعار، عایشه و پروین قیامت را توصیف می‌نمایند، اعتقاد راسخ خود را به معاد بیان می‌دارند و به شهادت دادن اعضا و جوارح گواهی می‌دهند. پر واضح است که این دو، بینش خود را از مضامین والای اسلام به عاریه گرفته و هر دو نیز اعتقاد به معاد را تقریباً به یک اندازه در شعرشان نمایان ساخته‌اند و در این باب عایشه حدود ۱۷ بیت و پروین ۱۶ بیت سروده‌اند.

۵-۱-۳- داستان‌های پیامبران

فرستادگان خدا در طول قرون و اعصار، مأموریت داشتند تا مردم را، انسان بار آورند، به صفات عالی متخلفشان نمایند و آنان را به فداکاری، تعاون، بشر دوستی و دیگر مکارم اخلاقی و سجایای انسانی متصف سازند (فلسفی، ۱۳۷۷: ۶۹) قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (الفرقان / ۵۹). ترجمه: و تو را جز بشارتگر و بیم دهنده نفرستادیم.

در این میان، شاعران عرب زبان برای بیان مفاهیم و مضامین مورد نظر خود، از داستان‌های پیامبران، به فراوانی استفاده نموده‌اند چنانکه نازک الملائکه شاعر برجسته و معاصر عراقی یکی از بخش‌های دیوان خود را آدم و حوا نامگذاری نموده و در آن داستان آدم و پسرانش را حکایت می‌نماید که بیت زیر نمونه‌ای از آن است:

وَلَيْكِنْ آدَمَ جَنَى حَبْسَهُ فُوقَ دَانَ فَرْدُوسِهِ الْجَمِيلِ عَقَابًا

(الملائکه، ۱۹۸۶: ۳۱)

ترجمه: حضرت آدم (ع) اما میوه‌ی ممنوعه را چید و محرومیت از بهشت، کیفرش شد.

شعراى فارسى زبان نیز از آوردن داستان‌های پیامبران غفلت ننمودند و از آن بهره‌ها جستند چنانچه جلال الدین محمد بلخی می‌فرماید:

تو که یوسف نیستی یعقوب باش همچو او با گریه‌ی آشوب باش

(مولانا، ۱۳۷۹، ۵۳/۱)

داستان حضرت یوسف، آدم و ایوب(ع) از نمونه‌هایی است که عایشه به تلمیح از ایشان یاد نموده است؛ «ایوب پیامبری که چهار بار نام وی در قرآن کریم به کار رفته است، در شام به دامداری اشتغال داشت و عبادت او زبانزد همگان بود. ابلیس بر وی حسد برد و از خدا خواست تا دست او بر ایوب گشاده کند آنگاه خداوند ایوب را به بلاهای بزرگ آزمایش کرد؛ بی چیز شد و بیماری و کرم بدن او را فرا گرفت و هیچ اندام وی درست نماند. ایوب هفت سال در این بلا بماند و زبان وی یک دم از تهلیل نیاسود، تا آنجا که ابلیس از او عاجز آمد. ایوب به دستور خدا پا بر زمین زد و چشمه آب بر آمد. خویشتن در آن چشمه بشست و زخمهای او درست شد» (یا حقی، ۱۳۸۶: ۱۱۴)

و یوسف السید الصدیق حین دعا فی ظلمة السجن من بعد الغیابات

(تیمور، بی تا: ۵۶)

ترجمه: و یوسف آن سرور راستگو هنگامی که در تاریکی زندان چاه خداوند را فراخواند.

و همچنین:

یا کاشف الضر عن ایوب مرحة حین استغائک من مس مضرات

(همان: ۵۵)

ترجمه: ای آنکه به هنگام درخواست ایوب برای رفع مشکلاتش، گرفتاری را از او برطرف کردی.

و همچنین:

فَأَنْتَیْ مِنْ أَدَمَ	وَهُوَ إِمَامٌ لِلْهَدَى
وَقَدْ عَصَى مَوْلَاهُ إِذْ	مَدَّ إِلَى السَّيْرِ يَدَا
ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ	تَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى

(همان: ۷)

ترجمه: من از نسل حضرت آدم‌ام که پیشوای مردم به راه درست بود با وجود

آنکه پروردگارش را عصیان نمود، اما دست را به سوی او دراز کرد، سپس پروردگارش او را برگزید توبه‌اش را پذیرفت و هدایتش نمود.

پروین نیز به عنوان شاعری متعهد و عقیده‌مند، خود را ملزم به بهره‌گیری از این داستان‌ها می‌نماید. از نمونه اشعار وی در این باب، قصیده‌ای است با عنوان «لطف حق» که در آن به داستان حضرت یوسف (ع)، عصای حضرت موسی (ع) و نیز «ید بیضا»ی وی اشاره می‌نماید که از جمله کرامات حضرت موسی (ع) بود که چون دست را زیر بغل می‌برد، نوری از آن ظاهر می‌گشت و به آسمان تتق می‌کشید و عالم را روشن می‌کرد و چون به بغل می‌برد، آن نور برطرف می‌شد. این سیدی، آیت نبوت و نشان خدای تعالی بود. (یا حقی، ۱۳۸۶: ۴۶۲)

ساحر، فسون و شعبده انگار نور تجلی و ید بیضا را
(اعتصامی، ۱۹۷۷: ۵)

و:

پیراهن یوسف چرا نیارد یعقوب به کنعان در انتظار است
(همان: ۱۲)

عایشه و پروین در دیوان‌های شعری خود، ابیاتی را در اشاره به قصه‌های آدم، یوسف، سلیمان، موسی و دیگر پیامبران الهی (ع) سروده‌اند که نشان می‌دهد این دو شاعر، قرآن کریم را مطالعه نموده، از مضامین داستان‌هایش آگاهی یافته و آنها را برای تأثیرگذاری بیشتر اندرزهای خود، به کار بسته‌اند. در این زمینه، عایشه و پروین به ترتیب پانزده و بیست و هفت بیت سروده‌اند.

۵-۱-۴- استفاده از آیات قرآن کریم

قرآن در بیانات خود هدفی جز هدایت مردم به سوی سعادت نپویید و اعتقاد درست و خلق پسندیده و عمل شایسته که پایه‌های سعادت فرد و جامعه انسانی است را با بیانی رسا تعلیم نمود. سخنی را که قرآن بیان می‌کند تا آنجا که شعاع دلالتش

پیش می‌رود برای همیشه و نسبت به همه کس زنده و پاینده است. (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۴ و ۳).

دو شاعر مورد بحث ما نیز، به عنوان شاعرانی مسلمان به قرآن به عنوان مرجع مفاهیم خود نگریسته و آیات یا مضامین آن را در اشعار خود گنجانده‌اند.

عایشه از کودکی به فراگیری قرآن همّت گماشت و پدرش در کودکی وی را نزد ابراهیم افندی مونس قرآن و استاد فقه فرستاد و قرآن را به خوبی فراگرفت عایشه به عنوان شاعری مسلمان قرآن را به خوبی مطالعه نمود، گوش دل به هدایت آن سپرد، و در اشعارش از آیات یا مضامین آن اقتباس نمود:

قُلْتُ انْظُرُونَا نَقْتَبِسُ مِنْ نُورِكُمْ صَرَفُ التَّمَنِّي لِلشُّوقِ خَلِيلُهُ
(عایشه، بی تا: ۹)

ترجمه: گفتم به ما نگاهی بیاندازید تا از نور شما بگیریم.

وَلَيْسَ عَلَيْهِ وَزْرٌ فِی وَلَوْعَى وَ مَا الْمَوْلَى بِظَالَمٍ الْعَبِيدِ
(همان: ۳۵)

ترجمه: او در عشق و دلبستگی من هیچ گناهی ندارد، چرا که خداوند نسبت به بندگانش ستم روا نمی‌دارد.

و نیز:

هَارُوتُ لِحَاضِرَاتِی بِالسَّحَرِ مِنْ بَابِلَ كَمْ مَن ضُنِي تَاهَتْ أَفْكَارُ وَ قَلْبُهُ دَابْ
(همان: ۶۴)

ترجمه: لیکن آن شیطان (صفت)ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند. و (نیز) آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بودند (پیروی کردند).

عایشه در این اشعار به تلمیح به آیات شریفه‌ی زیر اشاره می‌کند:

«يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ» (حدید/

آیه ۳)



ترجمه: از آن روز مردان و زنان منافق به اهل ایمان گویند: مشتاید و به ما فرصتی دهید تا ما هم از نور شما روشنایی بگیریم.

«إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظِلَامٍ لِلْعَبِيدِ» (انفال / ۵۱)

ترجمه: و تو را جز بشارتگر و بیم دهنده نفرستادیم.

«يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحَرَةَ مَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مُارُوتَ» (بقره /

۱۰۲)

ترجمه: لیکن آن شیطان صفت‌ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند. و نیز آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بود (پیروی کردند).

یکی از خصوصیات بارز اشعار و سروده‌های پروین بهره‌گیری از آیات کریمه و نورانی قرآن می‌باشد که بر حشمت و شکوه سروده‌های او دو چندان افزوده است و او را در جوانی در ردیف «اشعر شاعرات» عصر خویش قرار داده است، لقبی که علامه قزوینی با آن لقب، او را ستوده است. این بهره‌برداری در جای جای دیوان او منعکس و جلوه گر می‌باشد، احساسات و هنرمندی‌های او وقتی اوج می‌گیرد که به داستان موسی و مادر او می‌رسد و این اشعار «لطف حق» تفسیر گونه‌ای از قرآن مجید در سوره شریفه «القصص» می‌باشد. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۷: ۱۴۵ و ۱۴۶)

خون یتیم در کشی و خواهی باغ بهشت و سایه طوبی را

(اعتصامی، ۱۹۷۷: ۴)

شعر تلمیح به این آیه است: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» (نساء / ۱۲).

ترجمه: آن که اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند، در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد.

همچنین:



(همان: ۲۳۶)

این شعر نیز به این آیه اشاره دارد:

«إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَآقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ

الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ» (طه / ۴۰ و ۴۱)

ترجمه: هنگامی که به مادرت آنچه را که وحی می شد وحی کردیم که او را در صندوقچه ای بگذار و سپس در دریایش افکن تا دریا او را به کرانه اندازد.

در این شعر «لطف حق» پروین تمام احساسات و عواطف مادر موسی را از آیات قرآنی سوره طه و القصص به عاریه گرفته است و در این شعر به میزان بسیار زیادی تحت تاثیر آیات قرآنی قرار گرفته است که این نشان دهنده مطالعه و درک خوب قرآن نزد وی است.

۵-۱-۵- نکوهش دنیا

در معنای لغوی دنیا آمده است: «جهانی که در آن هستیم، عالم مادی، این جهان، عالم حاضر» (معین، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۵۶۶؛ دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۹۸۰۸؛ التهانوی، ۱۹۸۴: ج ۱: ۵۰۵)

شاعران فراوانی از گذشتگان و معاصران نیز به نکوهش دنیا پرداخته، سختی ها و گذرا بودن آن را گوشزد کرده اند. بی وفایی دنیا نسبت به عایشه و پروین به شکل های مختلف در اشعار ایشان نمایان شده است.

عایشه در اشعار خود دنیا را مذمت نموده و به بدی از آن یاد می کند:

الدَّهْرُ أَبْدَلُ رَاحَتِي بَعْنَاءٍ وَاعْتِاضَ صَفْوِ تَنَعْمِي بِشَقَاءٍ

(تیمور، بی تا: ۱۹)

ترجمه: روزگار آرامشم را به سختی تبدیل کرد و جای صفا (پاکی) رفاه و آسایشم را به بدبختی داد.

و:



أَوَاهِ مِنَ فَعْلِ الزَّمَانِ وَ مَكْرِهِ مَكْرُ الزَّمَانِ يَزُولُ بِالْأَطْوَاءِ

(همان: ۳۲)

ترجمه: آه از کار زمان و مکر آن و مکر روزگار با دمیدن با گره‌ها با ورد و سحر و جادو از بین می‌رود.

همچنین:

لَا تَفْرَحَنَّ بِدُنْيَا أَقْبَلْتَ وَ صَنَعْتَ بِكُلِّ مَا تَرْتَضِي وَ أَحْذِرْ عَوَاقِبَهَا

(همان: ۴۳)

ترجمه: به دنیا شاد مشو چون روی نماید و باعث خشنودی تو شود، پس، از عواقب آن بر حذر باش.

اعتصامی همچون همه‌ی هنرمندان اندیشمند، سنگینی این بار خرد کننده، و ویرانگری این چرخ بی‌تدبیر را بر گرده‌ی خود و انسان‌های دیگر احساس می‌کند و همواره در کلام خویش، آن را یادآور می‌شود. (ملکی، ۱۳۷۷: ۵۰)

در پرده، صد هزار سیه کاریست این تند سیر گنبد خضرا را

(اعتصامی، ۱۹۷۷: ۳)

تا از جهان سفله نه‌ای فارغ هرگز نخواند اهل خردت رادت

(همان: ۹)

این کور دل عجوزه‌ی بی‌شفقت چون طعمه بهر گرگ اجل زادت

(همان: ۹)

عایشه در اشعار خود از دنیا شکایت می‌کند نیرنگش را گوشزد می‌نماید و آن را سبب تلخی زندگی خود می‌داند. پروین نیز از دنیا شکایت دارد، از آن با نام‌های: کور دل، عجوز، گرگ و مانند آن یاد می‌کند و از بی‌وفایی و دل‌نستن به دنیا سخن می‌گوید. اما در این زمینه پروین گوی سبقت را از عایشه می‌رباید به دلیل آنکه عایشه ۲۴ بیت و پروین ۲۹۶ بیت در نکوهش دنیا سروده‌اند به طوری که

می‌توان گفت این موضوع سر تا سر دیوان پروین را در بر گرفته است، البته شاید دلیل بدبینی پروین نسبت به دنیا، دوره‌ای از تاریخ ایران است که وی در آن شاهد بی‌عدالتی، فساد اجتماعی و فقر مردمان سرزمین‌اش می‌باشد. از سوی دیگر، هر چند عایشه دنیا را نکوهیده، اما به دلیل آنکه وی شرایط سیاسی و اقتصادی بهتری را تجربه کرده و شاهد رشد و شکوفایی کشور خود در زمان سه حاکم خدیوی یعنی: اسماعیل، توفیق و عباس دوم بوده است اشعار وی در مورد دنیا دارای نوعی خوشبینی است از این رو است که در برابر قضا و قدر تسلیم می‌شود و به اندک شکایتی، بسنده می‌کند. «عایشه انسان را به تحذیر از دنیا نصیحت می‌کند و معتقد است اگر دنیا از ناحیه‌ای سعادتمند رخ بنماید از جهت دیگر ترشو می‌شود و احم می‌کند چرا که صفا و سعادتش چندی بیش طول ندارد و منقلب می‌شود». (زیاده، ۱۹۸۳: ۱۳۷)

۵-۱-۶- نکوهش نفس

معنای نفس در لغت عبارت است از: «روح و روان». (معین، ۱۳۷۵: ج ۴: ۴۷۷۳؛ ابن منظور، بی‌تا: ج ۶: ۲۴۳)

قرآن، آن را با عناوین مختلفی مثل نفس اماره، لواحه و مطمئه مطرح کرده و همه به حالات نفس اشاره دارد. (ارفع، ۱۳۶۲ ش، ۵۸، ۴۱، ۲۵، ۱۶) قرآن کریم در مورد نفس اماره می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي». (یوسف، ۵۳)

عایشه تیمور، با تعابیر گوناگونی، از نفس اماره شکوه می‌کند از آن جمله آنکه آن را آمر به منکر و مانع رسیدن به کمالات می‌داند که فرار از وسوسه‌هایش آسان نمی‌نماید.

و کیف لی باتعاض النفس آمرتی بالسوء ناهیتی عن مورد النعم

(تیمور، بی‌تا: ۵)



ترجمه: من چگونه از نفسم پند گیرم که مرا به بدی دستور می‌دهد و از

آبخور نعمت‌ها محروم می‌سازد.

و همچنین:

فَأَيْنَ أَفْرَمٍ مِنْ شَيْطَانٍ نَفْسِي وَمِنْ أَمَارَتِي أَيْسَرَ السَّيْلِ

(همان: ۱۳)

ترجمه: از شیطان نفس به کجا فرار کنم و از نفس اماره‌ام به کدامین راه روم.

و نیز:

وَ طُوعَ أَمَارَتِي بِالسَّوِّ قِيدَنِي عَنِ الْوُصُولِ لِنِهَايَةِ الْكَمَالَاتِ

(همان: ۵۳)

ترجمه: فرمانبرداری نفس اماره‌ام که به بدی دستور می‌دهد مرا از رسیدن به نهایت کمالات باز می‌دارد.

پروین نیز از این عامل خواهش‌های نفسانی غفلت ننموده، در موارد فراوانی، انسان را از آن بر حذر داشته و با تعبیرهایی مانند «تبه‌کار، سفله‌پرور، و یاوه‌گو» از آن یاد نموده است.

کار مده نفس تبه‌کار را این تند سیر گنبد خضارا

(اعتصامی، ۱۹۷۷: ۵)

و:

در مهد نفس، چند نهی طفل روح را این گاهواره‌دادکش و سفله‌پرور است

(همان: ۱۲)

همچنین:

نفس گفتست بسی ژاژ و بسی مبهم به کز این پس کندش نطق خرد ابکم

(همان: ۴۳)

پس از نكوهش دنیا و روزگار، نفس و تن از دیدگاه پروین قابل سرزنش و نكوهش است، نفس در آثار عرفانی فارسی مهم‌ترین عامل گمراهی انسان‌هاست،

هر آن چه که به جسم وابسته باشد و در راه خواسته‌های نفسانی و جسمانی قرار گیرد، در نگاه پروین نکوهیدنی است. (اسلام، ۱۳۸۵: ۸۴) بنابراین، هم عایشه و هم پروین در نکوهش نفس، سخن سرایی کرده‌اند، اما سهم پروین بیش از عایشه است؛ در حالی که عایشه تنها به شش بیت در این باب بسنده نموده، پروین پنجاه و چهار بیت از دیوان خود را به آن اختصاص داده است.

موضوعات یاد شده در کنار برخی موارد دیگر که حجم مقاله، اجازه‌ی اشاره به آنها را نمی‌داد، مبین شباهت‌های موجود میان افکار و اندیشه‌های پروین اعتصامی و عایشه تیمور است. اما با عنایت به اینکه نشان دادن شباهت‌ها و اختلاف‌های دو یا چند اثر در دو یا چند زبان مختلف، در قلمرو مکتب قدیم ادبیات تطبیقی فرانسه جای می‌گیرد، شایسته است در خاتمه، نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

اولاً: بررسی شباهت‌ها و اختلاف‌های میان دو کتاب، دو صحنه، دو موضوع یا دو صفحه که به دو یا چند زبان به رشته تحریر در آمده، نقطه شروعی ضروری است که فرصت کشف تاثیر و تأثر یا اقتباس و یا مواردی از این قبیل را به محقق ارزانی می‌دارد و به دنبال آن، وی را برای تفسیر جزء به جزء اثری به کمک اثر دیگر، توانمند می‌سازد (علوش، ۱۹۸۷: ۶۹ و ۷۰).

ثانیاً: عده‌ای از محققان فرانسوی بر این باورند که برخی از انواع داستان‌ها (و متون)، در حوزه‌ی ادبیات بومی کشورها جای می‌گیرد و تنها عامل انتشار آنها در میان ملت‌های مختلف، ویژگی ذاتی مشترک میان ملت‌هاست و نه تأثیر و تأثر آنها نسبت به یکدیگر (جمال الدین، ۱۹۸۹: ۱۵).



نتیجه گیری

از مطالب بیان شده بر می آید که شرایط اجتماعی و سیاسی هر دو شاعر در شعر و افکار آنها تأثیر فراوان داشته است؛ عایشه در زمان شکوفایی و پیشرفت سرزمین خود می زیسته از این جهت برخی از اشعار وی در مدح حاکمان و والیانی است که در این شکوفایی سهیم بوده اند. همچنین فضای شعری وی نسبت به پروین مفرح تر به نظر می رسد. اما پروین، به دلیل آنکه در عصر خویش شاهد اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی است و فقر و تنگدستی مردم زمانه اش را تجربه می کند، شعر وی نیز صبغه ای از فضای یاد شده را به خود می گیرد و حال و هوای حزن آلود بر آن سایه می افکند.

آنگونه که از اشعار این شاعران بر می آید، می توان عایشه را شاعری زهدی قلمداد نمود و پروین را در جرگه ی شاعران حکمی جای داد. از این پژوهش بر می آید که شاعران مورد بحث ما به علت اینکه در خانواده های مسلمان متولد و رشد یافته اند نتوانسته اند از تأثیر این دین مبین دور بمانند بنابراین در اشعارشان آشکارا یا به صورت تلمیح رد پای آموزه های دینی و قرآنی مشاهده می شود آنان اجتماع و اخلاق را به هم پیوند می زنند و سعی می نمایند که اجتماع را از طریق پندها و داستان های دینی اصلاح نمایند.

شایان ذکر است که نمی توان از تأثیر فراوان قرآن کریم بر عایشه و پروین غافل شد، چرا که این تأثیر به طور مستقیم در آرا و اشعار آنها تداعی یافته است. بنابراین هر چند به نظر نمی رسد پروین مستقیماً از عایشه اثر پذیرفته باشد، اما می توان ادعا نمود که هر دوی آنها مضامین قرآن را تقریباً به شکل یکسانی در خود، نهادینه کرده اند.



فهرست منابع

منابع عربی

- ۱- القرآن الکریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، قم، چاپ دوم: دارالقرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۲- تیمور، عائشه. (۱۸۸۶). دیوان حلیة الطراز، القاهرة، بدون مطبعة.
- ۳- جمال الدین، محمد السعيد. (۱۹۸۹). دراسات تطبيقية في الأدب العربي و الفارسی، لا ط، القاهرة: دار ثابت.
- ۴- خفاجی، محمد عبد المنجم. (۱۹۹۲). قصة الأدب في مصر، الطبعة الاولى، بیروت: دار الجيل.
- ۵- داغر، یوسف اسعد. (۲۰۰۰). مصادر الدراسة الأدبية، الطبعة الاولى، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون.
- ۶- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۷- الزبیدی، محمد مرتضی. (۱۳۰۶). تاج العروس، الطبعة الاولى، بیروت: دار صادر.
- ۸- زیادة، می (۱۹۸۳). عائشة تیمور «شاعرة الطليعة»، الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسة نوفل.
- ۹- العقاد، عباس محمود (لات). شعراء مصر و بیئاتهم فی الجيل الماضي، لا ط. القاهرة: نهضة مصر.
- ۱۰- علوش، سعید. (۱۹۸۷). مدارس الأدب المقارن، الطبعة الأولى، بیروت: المركز الثقافي العربي.
- ۱۱- الفاخوري. (۱۹۸۶). حنا الجامع في التاريخ الأدب العربي، الطبعة الاولى، بیروت: دار الجيل.



۱۲- فوّاز، زینب. (۱۹۹۹). *الدّر المنشور في طبقات ربّات الخدور*، الطبعة الاولى، بيروت: دار الكتب العلمية.

۱۳- المعزّی، ابو العلاء. (۱۹۸۷). *شرح دیوان سقط الزند*، شرح: ن. رضا، بیروت: دار مکتبه الحیاة.

۱۴- الملائکة، نازک. (۱۹۸۶). *دیوان*، بیروت، دار العودة، لاط.

۱۵- ندا، طه. (۱۹۸۰). *الأدب المقارن*، مصر، الطبعة الثالثة: دار المعارف.

منابع فارسی

۱- ارفع، کاظم. (۱۳۶۲). *اصلاح نفس*، تهران، چاپ اول: پنگوئن.

۲- آرین پور، یحیی. (۱۳۷۹). *از نیما تا روزگار ما*، تهران، چاپ سوم: انتشارات زوآر.

۳- اعتصامی، پروین. (۱۹۷۷). *دیوان پروین اعتصامی*، تهران، چاپ هفتم: چاپخانه محمد علی فردین.

۴- برقی، محمد باقر. (۱۳۷۳). *سخنوران نامی معاصر ایران*، چاپ اول، قم: نشر خرم.

۵- بلخی، جلال الدین محمد. (۱۳۷۹). *کلیات مثنوی مولانا*، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیّه.

۶- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، چاپ اول: دانشگاه تهران.

۷- روزبه، محمد رضا. (۱۳۸۱). *ادبیات معاصر ایران*، تهران، چاپ اول: نشر روزگار.

۸- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). *از گذشته ادبی ایران*، تهران، چاپ اول: انتشارات بین المللی الهدی.

۹- شریعتی سبزواری، محمد باقر. (۱۳۶۱). *معاد در نگاه وحی و فلسفه*، تهران، چاپ اول: دانشگاه تهران.

۱۰- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۰). مباحثی در وحی و قرآن، تهران، چاپ اول: بنیاد علوم اسلامی.

۱۱- فرخ زاد، پوران. (۱۳۸۰). نیمه‌های ناتمام (سیری در شعر زنان از رابعه تا فروغ)، تهران، چاپ اول: کتابسرای تندیس.

۱۲- فلسفی، محمد تقی. (۱۳۷۷). معاد در نظر جسم و روح، تهران، چاپ دوم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۳- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، تهران، چاپ دهم: انتشارات امیر کبیر.

۱۴- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌ها و اثرها در ادبیات فارسی، تهران، چاپ اول: فرهنگ معاصر.

مجله‌ها و نشریه‌ها

۱- احمدی ملکی. (۱۳۷۷). رحمان: «بینش اساطیری در شعر پروین اعتصامی»، مجله فرهنگ و هنر، شماره ۳۸، ۵۶-۴۸.

۲- عباده، عبدالفتاح. (۱۳۴۵). «عائشة التیموریة أول من حملت لواء الأدب من النساء فی نهضتنا الحديثة»، مجله الهلال، الجزء الرابع، السنة الخامسة و الثلاثون.

۳- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. (۱۳۷۷). «لطائف حکمی و نکات قرآنی در دیوان پروین اعتصامی». مجله فلسفه، کلام و عرفان (کیهان اندیشه)، شماره ۸۰، صص ۱۴۸-۱۴۳.

۴- فخر اسلام، بتول. (۱۳۸۵). «بن مایه‌های قصاید پروین اعتصامی»، مجله زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۱ و ۱۲، ۸۰-۹۱.

۵- محسنی، مرتضی؛ پیروز، غلامرضا. (۱۳۸۴). «پروین اعتصامی در گذرگاه سنت و مدرنیته». مجله مطالعات و تحقیقات ادبی، شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، صص ۷۴-۴۹.



